

## تغییر پارادایم جامعه پذیری از نهادهای آموزشی به شبکه های اجتماعی

در چند دهه گذشته نهاد خانواده و آموزش و پرورش نقش جامعه پذیری کودکان و نوجوانان را برعهده داشتند اما با وجود رسانه و گسترش شبکه های اجتماعی فرایند جامعه پذیری افراد در جامعه تغییر کرده است.

به گزارش خبرنگار گروه علم و فناوری ایسکانیوز، در چند هفته گذشته آهنگ یکی از خوانندگان غیر مجاز(ساسان حیدری معروف به ساسی مانکن) دست به دست چرخید و در شبکه های اجتماعی واکنش های زیادی به همراه داشت و کلیپ ها و دابسمش های گوناگونی از این آهنگ ساخته شده است. این آهنگ تا جایی پیش رفت که به مراکز آموزشی و فرهنگی ما از جمله مدارس و دانشگاه ها ورود کرده و در چند مدرسه کلیپ های منتشر شد که دانش آموزان با آن به شادی و پایکویی می پرداختند. این اتفاق واکنش های متفاوتی را در سطح جامعه و مسئولان به همراه داشته است. بعضی ها اعتقاد دارند فضای مدرسه باید شاد و مفرح باشد و گروه دیگر معتقدند که این شادی باید در جهت ایرانی-اسلامی باشد و اینگونه شادی ها به نوعی مصداق نفوذ و ابتذال است. شاد بودن و شادی کردن دانش آموزان در مدرسه جزو مولفه های ضروری است که آموزش و پرورش باید به آن توجه کند و این را باید در نظر داشت که انتقاد کردن از پخش این آهنگ به معنای این نیست که نباید فضای شاد برای دانش آموزان فراهم شود.

حال مسئله این است که چگونه این آهنگ با مضمون غیراخلاقی خود به یک آهنگ پرطرفدار تبدیل می شود و در مراکز آموزشی نیز نفوذ پیدا می کند؟ برای حل کردن مسئله و بحران های فرهنگی از این دست تنها انتقاد کافی نیست بلکه باید بتوان به ابعاد مختلف آن پرداخت و یک تحلیل درستی از این اتفاق داد.

نهادهای آموزشی و رسانه، جامعه پذیری مورد نظر را پیاده می کردند

یکی از فرایندهای مهم و تعیین کننده در یک جامعه، چگونگی جامعه پذیری افراد از دوران کودکی، نوجوانی و جوانی است. این یکی از مولفه های اساسی است که نقش زیادی در آینده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور دارد. از نظر جامعه شناسان، جامعه پذیری یا اجتماعی شدن، به معنای انطباق با جامعه و آشناسازی با جامعه است و به فرآیندی اطلاق می شود که به موجب آن افراد ویژگی های را که شایسته عضویت آنها در جامعه است را کسب می کنند. جامعه پذیری دو مرحله مهم دارد. اول اینکه افراد از طریق گروهی و فردی که با آنها در تماس نزدیک و صمیمی هستند، صورت می گیرد که در سال های اولیه زندگی رخ می دهد؛ مانند خانواده و گروه همسالان. دوم اینکه جامعه پذیری در وضعیت های رسمی تر که بخشی از مسئولیت های گروه های اول را برعهده می گیرند، تحقق می یابد؛ مانند آموزش و پرورش(مدرسه) و وسایل ارتباط جمعی.

با شناخت اجمالی از این فرایندهای جامعه پذیری می توان به ابعاد این کنشگری در سطح جامعه و بخصوص نسل جوان پرداخت. در دهه های گذشته و قبل از رشد وسایل ارتباط جمعی و رسانه، نهاد های آموزشی از جمله آموزش و پرورش متولی اصلی جامعه پذیری افراد بعد از خانواده بودند، چون گروه های دوستانه نیز در دل این نهاد شکل می گرفت. ولی زمانی که رسانه ها از جمله تلویزیون گسترش پیدا کرد

این وظیفه بین این دو نهاد تقسیم شد. افراد علاوه بر یادگیری در مدرسه، کنش های از خود در جامعه نشان می دادند که برگرفته از تاثیر رسانه ها بود. این دو نهاد از فیلتر های مختلف برخوردار بودند. بنابراین جامعه پذیری متناسب با فرهنگ، مذهب، اهداف و سیاست های کشور را صورت می دادند.

تکرار شدن در شبکه های اجتماعی منجر به کنشگری افراد می شود

اما در حال حاضر با دو جهانی شدن زندگی افراد و گسترش فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، جامعه پذیری افراد نیز به طرز قابل توجهی تغییر کرده است و نهادهای مانند خانواده، مدرسه و رسانه های جریان اصلی را زیر سوال برده است. ماهیت سیال، عدم کنترل دولت و حکومت، فضای گفتمانی و ایجاد فضایی برای سرگرمی های جذاب باعث شده است این فضا بر دیگر نهادها غلبه کند. امروزه یک کنش اجتماعی ابتدا در این شبکه ها شکل می گیرد بعد به نهادهای مانند خانواده و آموزش و پرورش نفوذ می کند.

شبکه های اجتماعی با تکرار، تکرار و تکرار کردن یک کنش و مسئله آن را به آستانه افکار عمومی می رسانند و کنشگران را مجبور به توجه کردن به آن مسئله می کنند. اگر ابتدا از خواننده این آهنگ سوال پرسیده می شد که آیا فکر می کرد آهنگش با این وسعت در سطح جامعه نفوذ کند که در نهادهای تصمیم ساز و تصمیم گیرنده مانند مجلس و تربیون های اصلی نظام از جمله نماز جمعه مطرح شود، به یقین جوابش نه بود.

قدرت ارتباطات و شبکه ای شدن جهان به واسطه اینترنت و شبکه های اجتماعی کاری کرده است که در مسائل مختلف تصمیم گیری و تصمیم سازی از گروه های قدرت و نهادها گرفته شده و هر فرد به عنوان یک کنشگر فعال در سطح های کلان نیز تاثیر گذار باشد. و ممکن است هر مسئله کوچکی که در این شبکه ها مطرح شود و باز نشر پیدا کند به یک خواسته و اعتراض مدنی تبدیل شود. بنابراین زمان آن رسیده متولیان امر در این حوزه سیاست گذاری های درست اتخاذ کنند، زیرا سرعت این جریان از سرعت تصمیم گیری های آنها به طرز شگفت انگیزی بالاست. اکنون جنبش های اجتماعی با این روند، از مسائل در سطح پایین شروع می شوند و اگر سطح سواد رسانه ای افراد ارتقا پیدا نکند و سیاست گذاری مناسبی برای جامعه پذیری افراد از این طریق انجام نگیرد، ایجاد جنبش های جنتلمنی را در آینده شاهد خواهیم بود.

انتهای پیام/